

## ضرورت توجه به مؤلفه «دانش و ذهنیت فرهنگ‌نگار»

### در ارزیابی و نقد فرهنگ‌های لغت:

(مطالعه موردی: فرهنگ دوزبانه فارسی-انگلیسی کیمیا)

دکتر حسین داوری

استادیار گروه زبان انگلیسی دانشگاه دامغان،

دامغان، ایران

[h.davari@du.ac.ir](mailto:h.davari@du.ac.ir)

دکتر ابوطالب ایرانمهر

استادیار گروه زبان انگلیسی دانشگاه صنعتی شاهرود،

شاهرود، ایران

[a.iranmehr946@yahoo.com](mailto:a.iranmehr946@yahoo.com)

واژه‌های کلیدی: فرهنگ لغت، فرهنگ کیمیا، دانش و ذهنیت، نقد فرهنگ.

از جمله حوزه‌های مطرح در بخش فرهنگ‌نگاری نوین، حوزه نقد و ارزیابی فرهنگ است که با رویکرد علمی در بهبود وضعیت فرهنگ‌نگاری شناخته می‌شود. به استناد قانعی‌فرد [۱۳۸۴: ۳۷]، در نقد فرهنگ‌های واژگانی همواره به دو بخش عمده توجه می‌شود که عبارت‌اند از: الف) دانش و ذهنیت فرهنگ‌نگار و ب) شیوه و سبک فرهنگ‌نویسی او.

در خصوص اهمیت مؤلفه نخست که در آثار و پژوهش‌های ایرانی، به دلایلی چند، غالباً نادیده انگاشته شده است، شاهد توجه جدی پژوهشگران حوزه تهیه و تدوین فرهنگ‌های واژگانی و به‌طور مشخص نقد و ارزیابی فرهنگ‌ها بدان بوده‌ایم که در این بین می‌توان به تارپ<sup>۱</sup> [۲۰۰۸] و شیرهولز<sup>۲</sup> [۲۰۱۵] اشاره کرد. از این منظر، دانش و بینش فرهنگ‌نگار در تدوین فرهنگ لغت مستلزم آگاهی و تلقی وی از ماهیت، ابعاد، شیوه‌ها و ظرایف تدوین فرهنگ است که البته در ارزیابی و نقد هر فرهنگی بی‌توجهی بدان، نمی‌تواند تصویری مناسب از دلایل ضعف و کاستی‌ها یا نقاط قوت آن را حاصل کند. به

<sup>۱</sup>.Tarp

<sup>۲</sup>.Schierholz

استناد قانعی‌فرد [۳۷:۱۳۸۴] از این منظر، تسلط فرهنگ‌نگار بر زبان‌شناسی، شیوه مدخل‌گزینی، معادل‌گزینی، معنایابی، سبک‌شناسی و کاربردشناسی مقابله‌ای، تسلط به زبان مقصد و مبدأ، یا به عبارتی زبان‌دانی او، روش تحقیق و منبع‌شناسی و اخذ روشی یکدست و معیار در معادل‌یابی مطرح است.

حال با توجه به اهمیت این مقوله در ارزیابی فرهنگ‌های واژگانی از یک سو و از سوی دیگر کم-توجهی انکارناپذیر به این مؤلفه (در آثاری که به نحوی به نقد و ارزیابی فرهنگ‌های واژگانی پرداخته‌اند)، فرهنگ دوزبانه فارسی به انگلیسی‌کیمیآ تألیف کریم امامی از منظر دانش و ذهنیت فرهنگ‌نگار ارزیابی و نقد می‌شود. هدف از این مقاله نشان دادن اهمیت و نیز کارآمدی آن در مطالعه‌های موردی است.

#### ۱. بیان مسئله

فرهنگ معاصر فارسی-انگلیسی‌کیمیآ از جمله فرهنگ‌های دوزبانه از مجموعه فرهنگ‌های معاصر است که به همت مترجم فقید کریم امامی و ویراستاری علی خزایی‌فر برای نخستین بار در سال ۱۳۸۵ از سوی انتشارات فرهنگ معاصر منتشر شد و تاکنون نیز بدون ویرایش، در نوبت‌های متعدد منتشر و با اقبال مخاطبان همراه بوده است. به استناد مقدمه کوتاه اثر و نیز مصاحبه مفصل مؤلف با عنوان «در راه و بیراه فرهنگ‌نگاری» در نشریه مترجم [۱۳۸۳، شماره ۳۸] درمی‌یابیم که وی حدود یک دهه به تدوین و تألیف این فرهنگ مشغول بوده است؛ فرهنگی که با تکیه بر جنبه‌های آموزشی و ارائه نکات کاربردی بنای آن داشته تا به نحوی نیاز طبقه‌های مختلف از کاربران و در رأس آن دانشگاهیان، مترجمان و دانشجویان را تأمین کند.

با توجه به اهمیت و جایگاه این فرهنگ که بنا به دلایلی چون شهرت نسبی مؤلف، ناشر معتبر، حجم مناسب، کاربردپسند بودن و ... تا حدودی جای خالی فرهنگ کاربردی را بین کاربران این دسته از فرهنگ‌ها پر کرده است [ر.ک. داوری و همکاران، ۱۳۸۹]، ضرورت بررسی و نقد علمی آن بر پایه چارچوبی مشخص بیش‌ازپیش اهمیت می‌یابد.

#### ۲. روش پژوهش

اساساً توجه به آثار و دیدگاه‌های فرهنگ‌نگار در قالب کتاب، مقاله، سخنرانی و مصاحبه در کنار توجه به تحصیلات و تخصص و نیز تجربه‌های عملی وی می‌تواند منبع قابل اتکایی برای پژوهشگر یا منتقد در راستای کشف ذهنیت و دانش فرهنگ‌نگار حاصل آورد.

بررسی این دسته از منابع درباره مؤلف فرهنگ‌کیمیآ حکایت از آن دارد که تنها منبع قابل اعتماد که به نحوی گویا به معرفی دیدگاه‌های وی پرداخته، همانا مصاحبه اختصاصی وی درباره فرهنگ‌کیمیآ است. حال با بهره‌گیری از این مصاحبه و نکات ارائه‌شده در آن، به‌طور مشخص به بررسی دو بعد مهم تشکیل‌دهنده این مؤلفه یعنی شیوه مدخل‌گزینی و معادل‌یابی در این فرهنگ پرداخته می‌شود؛ دو بعدی که بررسی آن تصویری مناسب از میزان دانش و ذهنیت مؤلف از علم فرهنگ‌نگاری و نیز روش

وی فراهم می‌آورد. به باور نویسندگان این مقاله، مواجهه با این فرهنگ از این منظر می‌تواند زمینه مناسبی برای تبیین دلایل کاستی‌های بارز آن در دو بعد موردنظر را فراهم آورد. برای رسیدن به این هدف ابتدا مهم‌ترین بخش‌های مصاحبه به‌عنوان منبعی برای کشف ذهنیت و دانش فرهنگ‌نگار، استخراج و متناسب با موضوع مورد بررسی، معرفی و به بحث گذاشته می‌شود.

### ۳. بحث و بررسی

همان‌گونه که اشاره شد، با بررسی آثار مؤلف در حوزه فرهنگ‌نگاری درمی‌یابیم که وی تخصص و تجربه عملی در تألیف و تدوین فرهنگ لغت یا تحصیلات و آثار علمی در این حوزه را ندارد؛ بنابراین، بر پایه همین مصاحبه به آسیب‌شناسی دو مؤلفه مهم «مدخل‌گزینی» و «معادل‌یابی» پرداخته خواهد شد.

#### ۳.۱. مدخل‌گزینی

درخصوص مدخل‌گزینی در این فرهنگ، شاهد کاستی‌های متعددی هستیم که در آثاری چون قانعی‌فرد [۱۳۸۴] و داوری و همکاران [۱۳۸۹] به نحوی گذرا بدان اشاره شده است؛ اما درباره این کاستی‌ها همچون محدود بودن فرهنگ به واژه‌های فارسی نوشتاری و خلأ زبان گفتاری؛ عدم بهره‌برداری از پیکره زبانی که به بی‌توجهی به بسامد و حوزه کاربرد واژه‌ها انجامیده؛ نبودن نظم و سیاق خاص و کاربردی در ارائه زیرمدخل‌ها و ... مراجعه به مصاحبه مؤلف دلیل محکمی بر چرایی این کاستی‌هاست:

«من مؤلف برای دستچین کردن واژه‌هایی که می‌خواهم به‌عنوان مدخل در فرهنگ بگنجانم، ناچارم بر شم زبانی خود تکیه کنم، به این ترتیب در آغاز کار با بهترین فرهنگ‌های موجود شروع می‌کنم به انتخاب واژه‌ها. پس لغات مهجور را کنار می‌گذارم و سراغ واژه‌های زنده و پرکاربرد می‌روم.»

حال به بررسی شماری از مدخل‌ها در نتیجه این نوع نگاه و روش ناقص از دو منظر می‌پردازیم. ابتدا ارائه مدخل‌های مهجور و دوم ارائه نکردن مدخل‌های رایج. در نتیجه این نگاه یعنی بهره‌گیری نکردن از پیکره زبانی و نیز تکیه بر شم زبانی است که واژه‌هایی از این دست به‌عنوان واژه‌های زنده و پرکاربرد به‌عنوان مدخل انتخاب شده‌اند: ایقان، ابه، باتیک، جیرو، شلال، شخانه، ناک، انجره و ... اما در مقابل واژه‌هایی از این دست، شاهد ارائه ندادن واژه‌هایی هستیم که در زبان، بسیار زنده و پرکاربردند. از آن جمله می‌توان به اتوشویی، پتانسیل، شبه‌قاره، کوه‌نوردی، بادگلو، اضافه‌وزن، ضرب‌الاجل و ... اشاره کرد.

#### ۳.۲. معادل‌یابی

از جمله مشخصه‌هایی که فرهنگی یک‌زبانه را از فرهنگی دوزبانه متمایز می‌کند، مقوله معادل است؛ مقوله‌ای که به تعبیری مهم‌ترین ملاک در تعیین موفقیت یا ناکامی یک فرهنگ دوزبانه برشمرده می‌شود. از همین روست که این مقوله، معیار اساسی در ارزیابی و نقد یک فرهنگ دوزبانه محسوب می‌شود.

اما امامی در مصاحبه خود در خصوص نحوه معادل‌یابی این‌گونه می‌گوید:

«قدم اول مراجعه به کار پیشینیان است. نگاه اول من همیشه به فرهنگ فارسی به انگلیسی حیییم است. در مرحله بعد معادل‌های داده‌شده برای یک واژه فارسی معین را در ذهن خود سبک و سنگین می‌کنم و با معنای دقیق و حال و هوای کلمه فارسی می‌سنجم. مرحله سوم کار من حصول اطمینان از کاربرد وسیع معادل پیشنهادشده در زبان انگلیسی است.»

«برای ترکیبات نوساخته در زبان فارسی اغلب ناچار بوده‌ام یک عبارت توضیحی بنویسم، بدون اینکه معادلی بدهم.»

در سایه چنین نگاهی است که به دور از مبانی و اصول معادل‌گزینی [ر.ک. آدامسکا سالیسکیاک<sup>۱</sup>، ۲۰۱۰] و خلط دو مفهوم معادل توضیحی و توضیح، شاهد ارائه خطاهای فاحشی در این فرهنگ دوزبانه هستیم. این کاستی را می‌توان حداقل ذیل دو بخش معرفی کرد:

الف) ارائه توضیح به جای معادل:

درحالی‌که مدخل‌های فارسی در غالب نمونه‌ها معادل‌های مناسب در زبان انگلیسی دارند، شاهد ارائه توضیح به جای معادل هستیم. بررسی این دسته از توضیح‌ها یا تعاریف نشان می‌دهد که مؤلف در بسیاری از نمونه‌ها در معادل‌گزینی، به ترجمه تعریف ارائه‌شده در فرهنگ‌های یک‌زبانه فارسی و به‌طور بارز، تعاریف ارائه‌شده در فرهنگ فارسی سخن مبادرت ورزیده [داوری و همکاران، ۱۳۸۹] که نتیجه آن چنین خطای بارزی در فرهنگ کیمیا بوده است. در جدول زیر، نمونه‌هایی از این خطاها آمده است. معادل‌های پیشنهادی بر اساس فرهنگ‌های معتبری چون فرهنگ *هراره* و فرهنگ *یویا* ارائه‌شده است:

جدول شماره ۱: ارائه توضیح به جای معادل

معادل مناسب پیشنهادی	معادل ارائه‌شده	مدخل
welcome	meeting and welcoming people on their arrival	استقبال
equipment/ equipping	the act of equipping sb/sth, supplying sth/sb with all the necessary equipment	تجهیز
educational/ educative	pertaining to the formative side of education	تربیتی
allurement	the act of enticing sb to do sth illegal, offering sb the promise of a bribe or financial gain	تطمیع
season/ spice	to add sth to food to improve its taste	چاشنی‌زدن
souvenir	a gift from afar (brought by sb who has been to a journey)	سوغات
prejudice	showing unfairness and lack of impartiality (because of a grudge against sb)	غرض‌ورزی

<sup>1</sup>. Adamska-Saliciak

(ب) حشو:

در روند ارائه معادل، شاهد وجود نوعی حشو هستیم، بدین معنا که با نوعی توضیح یا توصیف اضافی همراه شده است. این توضیح حشوگونه نه تنها کمکی به روشن تر شدن معادل نمی‌کند که تصویری غیرطبیعی با کاربرد واژه در زبان انگلیسی فراهم می‌کند:  
جدول شماره ۲: معادل‌های حشوگونه

مدخل	معادل توضیحی همراه با حشو نابجا	معادل پیشنهادی مناسب
تأییدیه	written confirmation	confirmation
ته سیگار	cigarette butt	butt
سپور	street sweeper	sweeper
سرشیر	top cream	cream
سرفلم	pen nib	nib
سکرتر / منشی	female secretary	secretary
سلامتی	good health	health
معلم خصوصی	private tutor	tutor

#### نتیجه‌گیری

در این نوشتار با هدف نشان دادن کارآمدی مؤلفه دانش و ذهنیت فرهنگ‌نگار در ارزیابی و نقد فرهنگ‌های لغت که در آثار داخلی کمتر بدان پرداخته شده است، فقط به نمونه‌هایی از کاستی‌های فرهنگ کیمیا در دو بخش مدخل‌گزینی و معادل‌یابی پرداخته شد؛ کاستی‌هایی جدی که ریشه در ضعف دانش و ذهنیت فرهنگ‌نگار از حوزه فرهنگ‌نگاری و ابعاد و اصول آن به‌مثابه یک علم دارد. مواجهه با فرهنگ‌های لغت از این منظر است که هم می‌تواند به روند آسیب‌شناسی آن‌ها بر پایه مبنایی علمی یاری رساند، هم ظرایف و ابعاد این حوزه را به مثابه یک شاخه علمی بیش‌ازپیش آشکار کند.

#### References

منابع

۱. امامی، کریم (۱۳۸۳). «در راه و بیراه فرهنگ‌نگاری»، مترجم، سال ۱۳، شماره ۳۸، صص ۴۳-۳۷.
۲. امامی، کریم (۱۳۸۵). فرهنگ کیمیا. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۳. داوری، حسین، ایرانمهر، ابوطالب و عرفانی، سید مهدی (۱۳۸۹). «بازبینی و نقد فرهنگ هزاره». مجله فرهنگ‌نویسی، شماره ۳، صص ۲۴۸-۲۲۰.
۴. قانع‌ی فرد، عرفان (۱۳۸۴). نخستین درس‌های فرهنگ‌نگاری. تهران: انتشارات بهنود.

5. Adamska-Saliciak, A. (2010). Examining equivalence. *International Journal of Lexicography*, 23(14), 387- 409.
6. Schierholz, S. J. (2015). Methods in Lexicography and Dictionary Research. *Lexikos*, 25, 323-352.
7. Tarp, S. (2008). Lexicography in the borderland between knowledge and non-knowledge: general lexicographical theory with particular focus on learner's lexicography. *Lexicographica* (Vol. 134). Walter de Gruyter.